

وحید آقاپور، بازیگر درگفت‌وگو با «فرهیختگان» از سریال «دشتستان»، برنامه‌های «ممیزی» و «کارناوال» می‌گوید

امیدوارم سریالم به‌آی‌فیلم دیده‌شود

بازی در «ممیزی» را از واقعیت الگو گرفتیم



مریح فضایی خبرنگار گروه فرهنگ

در سال‌هایی که مرز میان تلویزیون و پلتفرم‌ها روز به روز رنگ‌تر شده و بسیاری از بازیگران ناچار شده‌اند مسیر ثابت و مشخصی برای خود انتخاب کنند، وحید آقاپور در هر دو بخش حضور داشته حتی اگر حضورش در پروژه‌های تلویزیونی کم‌رنگ‌تر شده و بیشتر در تولیدات پلتفرمی حضور داشته باشد، باز هم در پا و اثرش را می‌توان در جریان اصلی دنبال کرد. تجربه‌های متنوع او، از اجرای برنامه «ممیزی» که از سال ۱۳۹۸ آغاز شد و با وجود فراز و نشیب‌های بسیار تا امروز ادامه پیدا کرده، تا حضور در «کارناوال» با دو اجرای عروسکی جدید و متفاوت نشان می‌دهد نگاهش به رسانه در یک قالب محدود نیست. حالا اما، پس از وقفه‌ای چندساله، با سریالی جدید به نام «دشتستان» به تلویزیون بازگشته است. این گفت‌وگو حاصل طری‌کن مسیر هنری اوست؛ مسیری که با همکاری‌های تلویزیونی، اجرای آثار نمایشی در پلتفرم‌ها و فعالیت در تئاتر امتداد یافته. در این گفت‌وگو از نگاه او به شرایط امروز تلویزیون و پلتفرم‌ها، سریال جدیدش، تجربه اجرای «ممیزی» و دیگر فعالیت‌هایش صحبت کرده‌ایم؛ روایتی از هنرمندی که تلاش می‌کند میان قالب و فرم‌های مختلف، مسیر شخصی و اخلاقانه خود را پیدا کند.

به عنوان اولین سؤال، درباره حضورتان در سریال «دشتستان» بگویید؛ اینکه پروژه چگونه به شما معرفی شد و چه چیزی در این نقش برایتان جذاب بود؟
حدوداً اواخر اردیبهشت ماه سال گذشته بود که یکی از دستیاران مجموعه با من تماس گرفت و گفت قرار است سریالی ساخته شود و یکی از نقش‌ها را برای من در نظر گرفته‌اند. من هم گفتم ابتدا می‌خواهم فیلمنامه را بخوانم تا ببینم فضای کار چگونه است و آیا دوستش دارم یا نه. حدودده دقیقه فیلمنامه که دیدم، دوازده قسمت از تلویزیون را در فضای سریال و داستان خوشم آمد. به نظر می‌کمدی محترمانه و آبرومند بود. از طرفی چند سالی هم بود که در تلویزیون کار نکرده بودم. بعد به‌صورت حضوری به دفتر کارگردان رفتم و با ایشان آشنا شدم. چند جلسه‌ای با هم دیدار کردیم، صحبت کردیم و ادامه مسیر قصه‌ای را که خوانده بودم جویا شدم. چون فیلمنامه هنوز کامل نشده بود، طراحی ادامه داستان را هم برابرم توضیح دادند. به نظر رسید که می‌تواند سریال خوبی از دل این فیلمنامه ساخته شود. بنابراین به مجموعه پیوستم. تقریباً از زمانی که صحبت اولیه انجام شد تا شروع تولید سریال، سه چهار ماه گذشت و سپس پروژه آغاز شد و حالا نتیجه‌اش همان چیزی است که شب‌ها در تلویزیون پخش می‌شود.

اگر قرار بود خودتان با یکی از آدم‌های قدیمی یا گذشتگان در شهر بچرخید، چه کسی را انتخاب می‌کردید؟

اگر بخوام ر ویکرد عاطفی داشته باشم به این پرسش، افرادی را انتخاب می‌کنم که از نزدیکانم بودند و در این سال‌ها از دشتشان داده‌ام. ولی اگر ر ویکرد برگرفته از علائق شغلی و هنری و دوقبی باشد، خیلی دوست داشتم با مرحوم احمد قهر در این شهر معاشرت داشته باشم، چون از بازیگرهایی بودند که در دوره شروع علاقه من به بازیگری همیشه در ذهنم بودند و در سال‌های دانشجویی هم همین طور؛ اما هیچ‌وقت فرصت مواجهه نزدیک، معاشرت و یادگیری از ایشان برابرم پیش نیامد.

شما حدوداً سه دهه است که وارد کار هنری شده‌اید و حتماً فراز و نشیب‌ها و سختی‌های زیادی داشته‌اید. در این سال‌هایی که فعالیت هنری داشتید تا رسیدن به جایگاه فعلی و این محبوبیتی که اکنون دارید، چه چیزی باعث شده که در این مسیر باقی بمانید و ادامه بدهید؟

در سؤالی که پرسیدید یک پیش‌فرضی هست که گفتید محبوبیتی دارم. نمی‌دانم واقعاً چقدر درست است؛ ترجیح می‌دهم بگویم اگر چیزی هست نظر فقط شماست. واقعیت این است که اگر بخوام این سال‌ها را مرور کنم، یکی از دلایلش پوست‌گلفت بودن و استقامت ذاتی خودم است که کلاً آدم مقاومی هستم. نکته بعدی این است که در تجربه بازیگری روی صحنه و مواجهه با تماشاگر تئاتر، یک لذتی به نظر من وجود دارد که من وقتی این لذت را ــ در ایجاد کوچکی و آماتوری ــ چشیدم، طعمی داشت که مرا راه نکرده و فکر کردن به همان لذت همیشه باعث شد این مسیر را راه نکنم و ادامه بدهم تا بتوانم مدام با این لذت، در شکل درست‌تر و حرفه‌ای‌ترش مواجه شوم و از آن محروم نمانم.

به نظر رانها میان‌بری وجود داشته که با سختی کمتر و سرعت بیشتر این مسیر طی شود؟

حالا بعضاً در دایره کسانی که در وادی بازیگری فعالیت می‌کنند، می‌بینم بعضی‌ها زودتر به نتیجه می‌رسند، بعضی دیرتر. ولی به نظر من نمی‌شود به میان‌بری را معرفی کرد. اگر برای کسی هم میان‌بری اتفاق می‌افتد، بیشتر ذیل عنوان «شانس» به نظر من تعریف می‌شود و نمی‌شود نسخه‌اش را یک نسخه عمومی و همگانی تلقی کرد و برای همه پیچید. مسیر هر کسی به نظر من منحصر به فرد است و برای خود همان شخص تعریف می‌شود. اگر بخوام در تجارب همگانی‌مان چند مؤلفه را اشاره کنیم، همان پشتکار، ادامه دادن و دلسرد نشدن است. و در این حرفه نمی‌شود خیلی به میان‌بر اکتفا کرد.

این روزها در فضای تلویزیون و به‌طور کلی در حوزه تصویر، شرایطی به وجود

آمده که کم‌تر پیش می‌آید هنرمندی هم‌زمان در تلویزیون و پلتفرم‌ها فعالیت کند. انگار نوعی نگاه به وجود آمده که: «وقتی در پلتفرم کار می‌کنم، دیگر سراغ تلویزیون نمی‌روم.» این مسئله باعث می‌شود هنرمندان ناخودآگاه خود را محدود کنند؛ مثلاً فقط در یک فضا حضور پررنگ داشته باشند و در فضای دیگر کمتر دیده شوند. درحالی که ما شما را در تلویزیون، پلتفرم و حتی تئاتر می‌بینم و این اتفاق نشان می‌دهد خودتان را محدود نکرده‌اید. توضیح می‌دهید چه شرایطی در میان هنرمندان به وجود آمده و چرا شما جزء افرادی نیستید که خود را به یک مدیوم خاص محدود کنید؟

دقیقاً شرایطی پیش آمده که یک بازیگر، تایتل «تلویزیون» یا «پلتفرم» را می‌خورد. این سؤال، به نظر من خیلی مهم و مفصل است. اگر کمی عمیق‌تر نگاه کنیم، بخشی از روی گردانی هنر منداها از تلویزیون برمی‌گردد به موضع‌گیری‌های سیاسی تلویزیون در یک‌سری بازنگاهی حساس. خب طبیعتاً وقتی تلویزیون نگاهش کمی محدود به یک نوع خاص از نگاه سیاسی می‌شود، طیف‌هایی که مخالف یا متفاوت از آن نگاه هستند، روی برمی‌گردانند. این نگاه سیاسی قطعاً تأثیر دارد. اما فارغ از همه این مسائل، بالاخره تلویزیون رسانه‌ای است که همه مردم به آن دسترسی دارند؛ یعنی در مناطق دورافتاده و مناطقی که شاید به لحاظ اقتصادی دسترسی به پلتفرم برای مردم خیلی امر عادی نباشد، تلویزیون وجود دارد و دیده می‌شود. همچنین چندان نگاه سیاسی، تلویزیون یک رسالت دیگر هم دارد و آن تولید محتوای سرگرم‌کننده برای عموم مردم است. من با این قسمت از کار تلویزیون همراه هستم و نگاهم این است که با آن بخشی از تلویزیون که وظیفه‌اش تولید محتوای سرگرم‌کننده است می‌توانم همکاری کنم؛ منتها احتیاطی که با استانداردهای ذهنی خودم همخوان باشد. ولی کلاً با نقش این تقسیم‌بندی که یک‌سری بازیگرها «بازیگر تلویزیون» هستند و یک‌سری «بازیگر پلتفرم»، موافق نیستم. یعنی می‌دانم که این تقسیم‌بندی در خیلی جاها اعمال می‌شود؛ اما همان‌طور که برای بازیگرها باید ملاک، یک اثر هنری از رشدند و واجد ویژگی‌های هنری باشد، برای پروژه‌ها هم وقتی می‌خواهند انتخاب کنند باید بازیگری ملاک باشد که توانمند بوده و وجهه اجتماعی خوبی داشته باشد؛ حالا فارغ از اینکه از بازیگر بیشتر در پلتفرم دیده شده یا در تلویزیون یا در سینما. ولی اگر بخوام جمع‌بندی کنم؛ در نهایت اگر این اتفاق افتاده که من هم در تلویزیون بوده‌ام و هم در پلتفرم، برای من جای خوشحالی دارد. و امیدوارم در هر کدام که بوده‌ام، توانسته باشم مخاطبانی را که اثر را می‌بینند، راضی کرده باشم.

شما به نکته مهمی اشاره کردید؛ اینکه تلویزیون رسانه‌ای است که برای همه مردم ساخته شده و همیشه تأثیرگذاری گسترده‌ای داشته است؛ از دست رفتن این ظرفیت، واقعاً جای تأسف دارد.

برای ماهایی که کار هنری می‌کنیم و حتی به‌عنوان یک ناظر بیرونی وقتی نگاه می‌کنم، بسیار برای تلویزیون ناراحت می‌شوم. اغلب کارگردان‌ها و بازیگرهای شخصی که ششما می‌بینید در پلتفرم‌ها کار می‌کنند، پخش یافته تلویزیون هستند. تلویزیون اعتبار مالی اش و فرصت‌هایش را در اختیار این‌ها گذاشته و این‌ها پرورش پیدا کردند، کارکشته شدند و به مرحله‌ای رسیدند که به‌عنوان کارگردان‌های قابل اعتبار و قابل اکتابه صنعت فیلمسازی معرفی شدند. اینکه تلویزیون بتواند، بدون هیچ تعصب و حمایتی، سرمایه‌هایی را که اساس خوش هستند رها کند به برایش مهم نباشد که در عرصه‌های دیگری فعالیت کند دیگر انتخابشان تلویزیون نباشد، خیلی جای تأسف دارد. امیدوارم این رویه اصلاح شود و ما شاهد بازگشت هنر مندانی باشیم که در تلویزیون چهره‌های محبوب و تأثیرگذاری بودند.

از تفاوت‌های تجربه‌هایتان در تلویزیون و پلتفرم برابرم می‌گوید؟

به نظر من عمده تفاوت پلتفرم و تلویزیون الان بیشتر مربوط می‌شود به خطوط قرمز و فضای آزاد یا محدود؛ یعنی اگر یک قصه یک‌سکان را بخواید در پلتفرم و تلویزیون بسازید، فرقی این است که در تلویزیون از نظر وضعیت حجاب، وضعیت پوشش و شکل مناسبات، یک خورده دست و پایتان بسته است و محدودیت دارد. ولی در پلتفرم این محدودیت وجود ندارد و می‌شود گفت پلتفرم به شکل ظاهری زندگی این روزها نزدیک‌تر است و مردم آن را شبیه‌تر به خودشان می‌دانند. این مؤلفه طبیعتاً در اقبال مردم تأثیرگذار است؛ محتوایی که مردم احساس کنند به روزگارشان نزدیک‌تر است را بیشتر می‌پسندند. با این نگاه می‌شود گفت که به نظر من اتفاق عجیبی نخواهد افتاد اگر تلویزیون هم کمی آزادی عملش را، چه در حوزه سؤدها چه در شکل پرداخت ظاهری فیلم و سریال‌ها، بتواند آزادتر انتخاب کند تا مردم بتوانند بیشتر با آثار ارتباط بگیرند.

یکی از کارهای شاخص شما در این سال‌ها برنامه «ممیزی» است که از سال ۹۸ تولید و پخش می‌شود. البته در مقطعی یک وقفه کوتاه داشت؛ اما در مجموع نزدیک به شش سال است که این برنامه ادامه دارد. «ممیزی» در شرایطی آغاز شد که آن زمان در فضای مجازی، مخصوصاً اینستاگرام، هم بیشتر با شوخی و طنز به سراغ محتوای موسیقی می‌رفتند و نمونه‌هایی هم در یوتیوب دیده می‌شد ولی محدود بودند و چندان فراگیری نداشتند. خیلی است این نوع برنامه‌ها تقریباً مشابه بود؛ اما تفاوت در ادبیات و بیان بود. «ممیزی» اما رویکرد متفاوتی انتخاب کرد و اتفاقاً با استقبال زیادی مواجه شد. به‌ویژه اینکه دوربین را روی‌روی همان «سانسورچی» نشاند؛ کسی که همیشه حضورش محسوس بود اما دیده نمی‌شد و همین زاویه نگاه تازه برای مخاطب جذابیت داشت. لطفاً کمی در باره ایده اولیه

برنامه و اینکه چگونه شکل گرفت توضیح دهید.

این برنامه قبل از اینکه به شکل تصویری در بیاید، به شکل آیتم نمایشی رادیویی در رادیو جوان در سال‌های ۸۵ و ۸۶ توسط حامد جوادزاده تولید می‌شد؛ برنامه موقفی بود. من در آن برنامه حضور نداشتم. سال‌های نود و سه و نود و چهار، حامد جوادزاده تصمیم گرفت آن برنامه را از یک آیتم رادیویی به آیتم تلویزیونی تبدیل کند. در سال نود و چهار، در تلویزیون یک برنامه ساخته می‌شد به نام «شهر آورد» که برنامه‌ای ترکیبی بود. یک قسمتش همین برنامه «ممیزی» بود؛ البته خیلی طولانی نبود و حجم کوتاهی داشت، قسمت‌هایی شاید پنج شش دقیقه‌ای. بعد از آن، چون به نظر می‌آمد این برنامه کشتش تولید مجدد دارد، تصمیم گرفتم سه سال نود و هشت برنامه را مجدداً تولید کنیم؛ با آزادی عمل بیشتر و اینکه در سؤدها و محتوایی که می‌خواهم عرضه کنیم دستمان بازتر باشد. به همین دلیل در فضای پلتفرم پیشنهادش را مطرح کردیم و مجدداً تولیدش را شروع کردیم. خوشبختانه شروع خیلی خوبی داشت و مخاطب دوستش داشت و ادامه پیدا کرد. به‌خصوص که بخشی از محتوای برنامه راجع به سانسور است و بخشی دیگر راجع به نقد جریان‌های اجتماعی و سیاسی روز، اتفاق‌هایی که در جامعه می‌افتد؛ و این شاید گاهی حتی از این بخش سانسور برای مخاطب جذاب‌تر باشد. به این ترتیب تا الان ادامه پیدا کرده است. ما تا الان شاید بیش از صد و بیست، سی قسمت این برنامه را ساخته و عرضه کرده‌ایم.

شده خواننده‌ای که با او شوخی کردید، ناراحت شود؟

به طور مستقیم نه. در این سال‌ها چنین موردی نداشتم. برخی از خواننده‌ها هیچ واکنشی نشان ندادند و برخی هم استقبال کردند و خوشحال شدند. حتی پیام دادند که برنامه را دیده و دوست داشته‌اند.

میزان بداهه بودن برنامه چقدر است؟

ما اصولاً از قبل برنامه را می‌نوسیم. در برخی بخش‌ها چهارچوب کلی را مشخص می‌کنیم و در برخی موارد دیالوگ نویسی نیز انجام می‌شود؛ اما هنگام ضبط، کاهی جملاتی بداهه گفته می‌شود. برخی از این جملات بداهه، بسیار خوب و ماندگار می‌شوند؛ مثلاً آن جمله‌ای که من می‌گویم «ما چقدر ساده‌ایم»، بداهه ضبط شد و تبدیل به میم‌شد. با این حال، چهارچوب کلی و نکات مهم برنامه عمدتاً از قبل طراحی شده و بداهه‌گویی بسیار محدود است.

به‌عنوان یک هنرمند، شخصیتی که در «ممیزی» بازی کردید را چقدر منطق بر واقعیت می‌دانید و از واقعیت الگو گرفتید؟

به نظر خودم خیلی نزدیک بود. فضایی که در میان دست‌اندرکاران ایجاد سانسور، جهت‌دهی فکری به هنر مندا، اعمال تگ‌گذاری‌های عجیب و غریب وجود دارد، که بیش خصوصیات مشترکی دارند و شباهت‌شان هم به همین شکل است و چون خود هم در کار تئاتر بسیار با آن‌ها مواجه بودم، خط فکری و حساسیت‌ها و خلاصه جهان فکری و فرهنگی آن‌ها را می‌شناختم و همانطور هم سعی کردم آن را عرضه کنم.

تصویری که وجود دارد این است که پلتفرم‌ها آزاد هستند و می‌توانند هر محتوایی را نشان دهند؛ اما اتفاقاتی که هر چند وقت یک‌بار در پلتفرم‌ها دیده می‌شود، حذف و سانسور شدن محتواهای نمایشی است. برای مثال همین قسمت آخر کارناوال. سؤال این است که در «ممیزی» چقدر این اتفاق افتاده و آیا خط‌قرمزهایی وجود داشته که مثلاً فلان قسمت حذف شود؟

در ممیزی هم به برخی مسائل فکر می‌کنیم که گفتشان صلاح نیست؛ اما آنچه که در ممیزی اتفاق افتاده در حوزه سانسور، بیشتر مربوط به حذف کامل یک قسمت شده نه اینکه بخش‌هایی حذف‌شود. اساساً محتوای برخی قسمت‌ها غیر قابل پخش تشخیص داده و کنار گذاشته شده است. البته این اتفاق، اتفاق فراوانی نبوده؛ مثلاً شاید در کل سه چهار قسمت از برنامه‌های ما دچار این ماجرا شده و کنار گذاشته شده است. در مجموع می‌توانم بگویم با برنامه «ممیزی» با سعه‌صدر برخورد کردند.

حرف آقای جوان و «کارناوال» شد. درباره تجربه حضور در این برنامه به‌عنوان یک برنامه جدید صحبت کنید.

خوشحالم جزو کسانی بودم که توسط رامبد جوان به کارناوال دعوت شدم. چون هم خودش، هم کارش و هم غدغه‌های هنری‌اش را دوست دارم. وقتی من را دعوت کرد، طول کشید تا به این ایده برسم که می‌خواهم چه کاری انجام دهم. موضوعات دیگری در ذهنم بود که به دلایلی آن‌ها خط خورد تا رسیدم به اینکه من می‌خواهم یک نمایش عروسکی کار کنم و با دوس‌ت عزیزم محمد لقمانیان جلسه‌ای گذاشتم و نتیجه شد کار که دیدید. به نظر نمایش عروسکی، قالبی است که خیلی ظرفیت دارد و می‌تواند محبوب، سرگرم‌کننده و جذاب باشد. عروسک به شما آزادی عمل در حوزه محتوا و خطوط قرمز می‌دهد و دست‌شما را باز می‌گذارد و به همین دلیل من رفتم مستم نمایش عروسکی، خصوصاً اینکه در مورد دانشجویی هم نمایش عروسکی کار کرده بودم و تجربه‌اش را داشتم و سال‌ها بود که از آن دور افتاده بودم. شاید برابم از این نظر هم خالی از لطف نبود که بروم سراغ کاری که ازش فاصله گرفتم. خوشبختانه با همکاری محمد لقمانیان که از نظر من، هنر مند عروسکی بسیار توانا و شاخص ماست، در دو قسمتی که در کارناوال بودیم بسیار واکنش‌های مثبتی گرفتیم، هم راجع به

کلیت کار و هم خود عروسک. خیلی‌ها گفتند عروسک بی‌چشم و رو حیفا است و با آن یک برنامه مستقل را پیش ببریم و حتی خود رامبد هم این پیشنهاد را به ما داده که البته هنوز فرصتش را پیدا نکردیم. در کل حضور در کارناوال برابرم تجربه ارزشمندی بود، به‌خصوص مواجه شدن با مخاطبی که سینه‌به‌سینه تورا به‌صورت زنده نگاه می‌کند و در محل ضبط برنامه حضور دارد و در مرحله آخر با تو گفت‌وگو می‌کند و نظر می‌دهد. بخش گفت‌وگو برای من جزو قسمت‌های جذاب کارناوال بود. این برنامه بسیار نبود و جایش خالی بود و به نظر من رامبد با ساخت کارناوال به یکی از نیازهای اصلی‌ای که داشتیم پاسخ داد و امیدوارم ادامه پیدا کند و در فصل‌های بعدی کامل‌تر و جذاب‌تر شود.

حتی من اضافه می‌کنم که اگر این برنامه وارد تلویزیون شود، قطعاً بیشتر دیده خواهد شد و شاید حق آن بهتر ادا شود.

اگر تلویزیون آزادتر باشد، جای مناسب‌تری برای «کارناوال» خواهد بود، به‌خصوص که تلویزیون توانایی دارد مخاطبان خانه‌ها را وارد سیستم‌های دیگری کند. حق مردم ماست که برنامه‌ای مثل «کارناوال» را در چهارچوب تلویزیون تماشا کنند.

در مورد آزادی عمل عروسک، یاد مصباحی‌ای از آقای جوان افتادم. ایشان گفته بودند اگر هر کدام از صحبت‌های جناب خان رایک آدم واقعی بیان می‌کرد، قطعاً پیامدهای منفی‌ای در پی داشت؛ اما جناب خان می‌گفت و حتی مسئولان هم با او می‌خندیدند و خوششان می‌آمد. این نشان‌دهنده قدرت عروسک است.
دقیقاً، این ظرفیت عروسک در گفتار و دیالوگ را نشان می‌دهد؛ به‌ویژه در جامعه‌ای مانند جامعه ما که یکی از موضوعاتش نقد مسئولان است و این نقد می‌تواند گاهی برای کسانی که آن را مطرح می‌کنند، دردسر ایجاد کند. چه نقد جدی باشد و چه طنز آمیز، کاراکتر عروسکی می‌تواند نقش پررنگ‌تری ایفا کند و هنر مند را از برخی مشکلات حفظ نماید.

ما در این سال‌های اخیر شما را بیشتر در برنامه‌های غیرسینمایی می‌بینم، مثل «کارناوال»، «جوکر» و «ممیزی». آیا احتمال دارد که خودتان به سمت برنامه‌سازی بروید؟

گاهی به برنامه‌سازی فکر می‌کنم. بعضی وقت‌ها از خودم خیلی دور می‌بینشم و بعضی وقت‌ها خیلی به خودم نزدیک؛ اما واقعیت این است که اگر روزی بخوام از جایگاه بازیگر خارج شسم و کار دیگری انجام دهم، قطعاً آن کار، کارگردانی خواهد بود. چه کارگردانی تئاتر که قبلاً به شکل محدود تجربه‌اش کردم، چه کارگردانی فیلم و سریال. در مقام سازنده برنامه ترکیبی، تاکشو، گیم‌شو یا تئاتی شو خودم را نمی‌بینم. اگر بخوام کار دیگری انجام دهم، کارگردانی یک محتوای دراماتیک یا نمایشی خواهد بود.

استقبال مردم و بازخوردهایی که از بازی در سریال گرفته‌اید، چگونه بوده است؟
صادقانه فیدبکی مستقیم از مردم دریافت نکردم. بیشتر بازخوردها از دوستان و اقوام بوده و کسانی که سریال را دیده‌اند، آن را دوست داشتند. خودم هم سریال را دیدم و راضی بودم. بااین حال، تصورم این است که مانند سایر سریال‌های تلویزیون، این سریال در شبکه‌ای فیلمم و در بازپخش بیشتر دیده خواهد شد. حتی یک نکته طنز آمیز بگویم. اکنون اگر تلویزیون یک سریال با یک تیم بسیار خوب و امتحان‌پس داده بسازد و فرض کنید در شبکه‌ی که پخش شود، همان سریال دو ماه بعد به آی‌فیلم پخش شود، قطعاً بیننده بیشتری خواهد داشت تا در شبکه یک. این اتفاقی است که برای تلویزیون افتاده است. فکر می‌کنم «دشتستان» هم در باز پخش در شبکه‌ای فیلم احتمالاً تماشاگر بیشتری را همراه خود خواهد داشت.



پلتفرم، هزارویک‌شب ریسکی بزرگ بود. اگر سریال پایان نپذیرد درباره هزینه‌های پروژه و اینکه چطور توانستیم تولیدات را کم‌هزینه‌تر برگزار کنیم، صحبت خواهیم کرد؛ اما در نهایت با بگویم که هزارویک‌شب واقعاً پروژه سسنگینی از نظر ری اف ایکس و جلوه‌های ویژه است. تمام آنچه شما از بخش کهن داستان می‌بینید تنها در یک سوله ساخته شده.»

— موسیقی پایانی با علیرضا قربانی

از دیگر نکاتی که در این نشست کیایی به آن اشاره کرد، موسیقی تیتراژ پایانی سریال بود که با صدای علیرضا قربانی خواهم شنید؛ سریالی که احتمالاً باید شاهد بازخوردهای مخاطبان به آن بود و دید آیا یکی از سنگین‌ترین تجربه اجرای جلوه‌های ویژه در سریال‌های ایرانی، موردقبول مخاطبان قرار می‌گیرد. تجربه‌ای که کیایی می‌گوید به طی تولید آن از هوش مصنوعی استفاده نشده و شاید یکی از آخرین تولیدات بیگ پروداکشن ایرانی باشد که از AI در آن استفاده نشده است. سریال کیایی از فردا در معرض تماشای مخاطبان قرار خواهد گرفت و بنابر سی‌وسه‌قسمتی بودن آن و البته دیده‌ها و شنیده‌ها باید چندقسمتی منتظر بمانیم تا یکی از مفصل‌ترین قصه‌های نمایش خانگی ایرانی، خودش را به مخاطبان اثبات کند؛ سریالی که مراحل فیلمبرداری را به‌طور کامل تمام کرده و برخی قسمت‌ها در مرحله پست‌پروداکشن قرار دارند. سریال پربازیکری که در آن از پرویز پرستویی، سحر دولتشاهی، پدرام شریفی، محسن کیایی، بهرام‌آزادان تا بسیاری از چهره‌های شناخته‌شده سینمای ترکیه به ایفای نقش می‌پردازند.

مصطفی کیایی، در اکران خصوصی سریال «هزارویک شب»، به «فرهیختگان» گفت:

وقت عبور از ملودرام‌های اجتماعی است

قصه با ثمنی نوشته شده. قصه‌ای که مبنایش یک بازخوانی است از قصه اصلی «هزارویک‌شب». از نکات جالب داستان «هزارویک‌شب»، مشارکت هدیه تهران است در نگارش و بازنویسی داستان. مجموعه این اتفاقات باعث شده کیایی در پاسخ به سؤالی درباره آنکه کدام گروه از مخاطبان ارتباط بیشتری با قصه برقرار می‌کنند، بگوید: «آگام می‌کنم با توجه به قصه و ظرفیت‌های داستان شهرزاد، خانم‌ها ارتباط بسیاری با مخاطبان برقرار کنند.» یکی دیگر از نکات مهم داستان هزارویک‌شب، حضور جدی سینمای ترکیه کنار آن است که کیایی دلیل آن را استفاده از ظرفیت سینمایی ترکیه و البته ظرفیت‌های داستان هزارویک‌شب می‌داند و می‌گوید: «عده‌ای بازگویی که تاکنون به ایران آمده دنبال‌باز یگران سریال‌های ترکیه‌ای بوده‌اند و برای این انتخابشان می‌کردند که مردم آن‌ها را در کانال‌های ماهواره‌ای دیده بودند و می‌شناختند؛ اما بازگویی که در هزارویک‌شب آمده‌اند، عمدتاً، مربوط به سینمای ترکیه هستند و در تولیدات نقلی‌کس حضور داشتند، هر چند شاید مخاطب ایرانی با آن‌ها آشنایی نداشته باشد.» همچنین کیایی به این موضوع اشاره می‌کند که به‌زودی و از هفته‌های آینده، پخش ترکیه‌ای سریال آغاز شده و به‌موازات آن پخش در پلتفرم‌های عربی هم کلید می‌خورد، از طرفی پلتفرم پخش‌کننده ترکیه‌ای هم پخش جهانی اثر را در اروپا و سایر نقاط جهان شروع می‌کند. با این اتفاقات هزارویک‌شب به اولین سریال ایرانی بدل می‌شود که به‌موازات پخش اثر در ایران در سایر کشورها هم منتشر می‌شود.

— وقتی باید از برخی ملودرام‌ها عبور کرد

کیایی در ادامه نشست پاسخگوی سؤال «فرهیختگان» می‌شود و در پاسخ

فرهیختگان

فرهیختگان

فرهیختگان



یکشنبه ۹ آذر ۱۴۰۴



شماره ۴۵۶۹



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

